

مسئولیت فردی

- ✧ خواستن توانستن است
- ✧ خونسردی و ملایمت
- ✧ باوظائف حساس خود آشنا شویم

* * *

موضوعی که باید بطور کامل مورد توجه مربی و کلیه عوامل تربیتی و محیط اجتماعی قرار گیرد ، مسئله سر نوشت خود کودک و جوانان است . باید توجه داشت که نمیتوان تعیین سر نوشت آنان را بدست حوادث سپرد . بسیاری از پدران و مادران ، اینطور فکری میکنند که خوشبختی یا بدبختی طفل ، در آینده ، مربوط به سر نوشت اوست . اگر سر نوشت طفل سعادت است ، هیچ قدرتی نمیتواند سر نوشت او را تغییر داده ، از سعادت محروم و گزند و بالعکس اگر سر نوشت طفلی بدبختی و شقاوت است ، کسی نمیتواند او را از مسیر بدبختی بمسیر خوشبختی بکشاند . راستی اگر چنین است پس کوششهای پی گیر پیامبران و همه مصلحان اخلاقی و اجتماعی برای اصلاح و سعادت مند ساختن افراد و اجتماعات ، بیهوده بوده است . در حالی که چنین نیست .

دنیای ما دنیای تلاش و کوشش است . هر چه بخواهیم شدنی است . بزرگان گفته اند :
 «خواستن توانستن است» ، هر چه نرسیدیم برای این است که نخواسته ایم . اگر می بینیم نوبا و آسمان اجتماع ، آنطوری که باید و شاید بار نمی آید و احیاناً پشت پا بمقدسات ، می زنند و با گرفتار اعتیادات مضر هستند ، برای این است که نخواسته ایم آنها را صحیح تربیت کنیم بلکه آنها را بدست «حوادث» سپرده ایم . چه اگر میخواستیم بهتر از این تربیت می کردیم .

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
تو چون خود کنی اختر خویش را بد

برون کن ز سر باد خیره سری را
مدار از فلک چشم نیک اختری را

خونسردی و ملایمت

آنهايي که با کودکان تماس مستقیم دارند ، برای رسیدن به هدف خود چاره ای جز خون سردی و حفظ آرامش ندارند . آنها اگر آرامش و خونسردی خود را از کف دهند ، احیانا کودکان را به لجبازی و طغیان می کشانند . توسل بخشونت برای هیچ مقامی زینده نیست : زمامداران و رهبران دینی و مریبان اخلاقی و فرماندهان و مدیران کارخانه ها و مؤسسات و دوائر ، هیچکدام از این قاعده مستثنی نیستند . در عین حال برای آنهايي که عهده دار وظیفه حساس تربیت شده اند ، اهمیت این اصل خیلی بیشتر است .

قرآن کریم ، اهمیت این موضوع را به پیشوای اسلام گوشزد میکند و او را بخونسردی و ملایمت و مهربانی نسبت به مردم فراخوانده می گوید : « فَمَا رَحْمَةً مِنْ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلُوكُنْتَ فُظًا غَلِيظًا الْقَلْبُ لَانْفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ » (سوره آل عمران آیه ۱۵۶) یعنی : بواسطه رحمت خداوند قلب تو بر آنها نرم شد و اگر خشن و درشت خو بودی از اطراف تو پراکنده میشدند . از این جهت است که می بینیم بزرگترین مربی و معلم انسانیت ، حضرت محمد (ص) حتی جسارتها و ستمگریهای مردم را نسبت بخود نادیده می گیرد و همواره مورد چشم پوشی و اغماض قرار میدهد .

ویکنفر اعرابی که بمنظور دریافت کمک بمدینه آمده بود و بر اثر اینکه پیامبر موفق نشد آنظوری که باید و شاید رفع احتیاجش کند شروع بجسارت و بی ادبی کرد . پیشوای اسلام مردم را از تعرض باو بازداشت و او را بمیهمانی دعوت کرد . او وقتی که زندگی ساده و بی پیرایه پیامبر خدا را دید ، از گفتار خود نادم شد و زبان بعدر خواهی گشود . پیغمبر از او خواست که در مسجد ، در حضور جمعیت مسلمین ، عذر خواهی خود را تکرار کند تا مسلمانان کینه او را از دل خارج سازند . روز بعد ، اعرابی در مسجد زبان بعدر خواهی گشود و اصحاب پیامبر تبسم کردند آنگاه پیشوای عالیقدر اسلام فرمود : « مثل من و اینگونه افراد ، مثل همان مردی است که شترش رمیده و فرار می کرد . مردم بخیال اینکه بصاحب شتر کمک بدهند ، فریاد کردند و بدنبال شتر دویدند . آن شتر بیشتر رم کرد و فراری تر شد . صاحب شتر مردم را بانک زد و گفت : خواهش میکنم کسی به شتر من کاری نداشته باشد . من خودم بهتر می دانم که از چه راه او را رام کنم .

همینکه مردم را از تعقیب بازداشت ، رفت و یک مشت علف برداشت و آرام آرام از جلو

شتر بیرون آمد . بدون اینکه نمره‌ای بزند و فریادی بکشد و بدود . تدریجاً در حالی که علف را نشان می‌داد ، جلو آمد و بعد با کمال سهولت ، مهار شتر خویش را در دست گرفت و روان شد .

اگر دیروز من شمارا آزاد گذاشته بودم ، حتماً این اعرایی بدست شما کشته شده بود . و درجه حال بدی کشته شده بود ! در حال کفر و بت پرستی !- ولی مانع دخالت شما شدم و خودم بانر می و ملائمت او را رام کردم» (۱) .

باوظائف حساس خود آشنا شویم

H. Mossiev دبیر دانشسرای پسران در شهر اتوی فرانسه در کتاب «چگونه روحهای محکم و سازنده بسازیم؟» می‌نویسد : «اشخاصی که کارشان پرورش کودکان و جوانان است ، بیش از تمام استعدادها و قوای شاگردان خود با عقل و شعور آنان سروکار دارند و مقصد مستقیم آنان پرورش و بی‌نیاز کردن روح و قوه عاقله است و اگر منظور عالیتیری دارند ، یعنی می‌خواهند انسان شرافتمند و مرد کامل تهیه کنند ، باز هم بدستیاری عقل و روح ، رك حساس آنها را می‌جویند و اراده‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهند . بنابراین شناسایی واضح و دقیقی از شرائط اخلاقی ، تربیت عقلی و روحی خوب ، وظیفه‌آهم و الزم هر مربی و آموزگار است . مانظرها و افکار خود را راجع بیک موضوع تحت مداقه و تجربه آقایان می‌گذاریم و آن مسئله این است : چگونه برای پرورش کودکان و جوانانی که تحت تربیت ما هستند آن زندگی روحی و فکری را خلق کنیم که بتوان آنرا اخلاقاً خوب و صحیح دانست» (۲)

این همان مسئله‌ای است که مادر این سلسله مقالات تعقیب و کوشش می‌کنیم که مر بیان و کلیه عوامل مؤثر اجتماعی را متوجه وظیفه حساس و مسئولیت سنگین خود سازیم . بلکه باید خاطر نشان سازیم که هدف عمده و اصل پرورش همان «پرورش انسان شرافتمند کامل» و به تعبیر علمای آموزش و پرورش «بسط شخصیت» می‌باشد . برای رسیدن به چنین هدف مقدسی باید کودک را از غذای جسمی و روحی سالم برخوردار سازیم . بهداشت جسمی او را بطور کامل رعایت کنیم تا با روح و جسم سالم بار آید و بتواند دارای قدرت کامل برای بکار انداختن دقت و قوای دیگر خود باشد ، بقول همان نویسنده : «دقت که یکی از نمودارهای فکری است با اوضاع و احوال خارجی و مزاجی بستگی دارد» (۳)

(۱) داستان داستان جلد اول .

(۲) پرورش ذهن ترجمه آقای احمد آرام صفحه ۴

(۳) پرورش ذهن صفحه ۹ .

اوضاع واحوال خارجی یعنی اموری که حواس را تحریک می کند از قبیل : هیاهوی بی مقدمه ، تغییر ناگهانی نور ، پیدایش بی سابقه اشکال نامأنوس ، بوهای تندی که بمشام می رسد و بسیاری از حوادث دیگر که باعث تفرقه حواس می شود ، انسان را از آموزش صحیح و پرورش کامل بازمی دارد . در محیط مطالعه و محیط تحصیل کودک باید آرامش کامل برقرار باشد .

در عین حال برای داشتن روح سالم ، اوضاع واحوال مزاجی نیز بسیار مؤثر است . کودکی که از ضعف عمومی یا کمبود غذا و ویتامینهای لازم و یاددهای عضوی و موضعی یا ضعف شنوایی و بینایی رنج می برد ، نمی تواند بطور کافی پیشرفت کند . اصلاح این عیوب ، از وظایفی است که کار مربی را کاملاً آسان می سازد . بقول موسیو : «دقت تحت تأثیر سه رکن اساسی بدن یعنی خون و عضلات و اعصاب قرار می گیرد ، علاوه بر اینها نظم و آهنگ دم زدن نیز در آن تأثیر شدید دارد» (۱) .

هر گاه کودک ، دارای خونی پاك و سالم باشد ، بدون تردید دارای دقت و فهمی عمیقتر است Maudsley می گوید : «گردش خون در دماغ ، هنگامی که این عضو مشغول است ، بسیار زیاده تر از حال سکون و آرامش است» (۲) کم خونی و کمی اکسیژن مورد لزوم برای تنفس و هوای کثیف ، باعث ضعف فهم و دقت میشود و در چنین مواردی مربی نباید تصور کند که عقل بیکاره و منحرف شده است .

یکی از روانشناسان بنام «ریبو» اثبات کرده است که : «دقت همیشه بر روی ماهیچهها و بوسیله ماهیچهها عمل میکند و نوع عمل آنها اساساً به شکل توقف و سکون می باشد» (۳) « بنظری بر خشی از جنبشهای عضلانی ظاهراً مهمل از قبیل تکان دادن سر و دست و پا یا بازیهای غیر ارادی با قلم و خط کش و ... یا راه رفتن سریع که بدون دخالت اراده بر سرعت آن افزوده میشود ، وسیله تولید قوایی هستند که مورد استفاده اعمال فکری قرار میگیرند . اینها زمینه را برای فعالیت فکری آماده می سازند ، جنبشهایی هم هستند که برای تمرکز دادن دقت بر روی موضوع معین بکار میروند مثل جنبش صورت و بدن ...

بنابراین برای تقویت و سلامت عضلات ، کودک را باید ب ورزشهای مفید و متنوع وادار کرد .

(بقیه درس ۴۰)

۱ - پرورش ذهن صفحه ۱۰ و ۱۱ .

۲ - پرورش ذهن صفحه ۱۱ !

۳ - پرورش ذهن صفحه ۱۳ .

ترجمه محمد جواد سهلانی - تهران
از : مجله امریکائی «اخبار امریکا و
گزارش دنیا» .

U .S. News & world 'report '
march 18 1968

مورخ ۱۸ مارچ ۱۹۶۸ (۱۳۴۶ ر ۱۲ ر ۲۷)

صفحات ۷۶ و ۷۷

ر باخواری در امریکا

دلیل عمده ای که باعث میشود مقدار بدهی دولت
آمریکا به سرمایه داران بیشتر شود .

دمتجاوز از ۱۵ بلیون (پانزده هزار میلیون) دلار ، فقط باید بابت بهره کنار
گذاشته شود .

درکنگره ، مقاماتی که درصدد کاستن مبالغ بودجه دولتی می باشند ، کار را بسیار
مشکل می یابند . . .

کسر بودجه های عظیم سالهای گذشته بر هزینه های جدید را اجباری میسازد ، علت عمده
این وضع ، ازدیاد وام دولتی به سرعتی است که هرگز در این کشور سابقه نداشته است . هزینه
گرفتن این وام ، سالی یک بلیون دلار است .

مبلغ بهره ای که تا اول ژوئیه ۱۹۶۸ (۴۷۰۴۱۰) دولت امریکا باید بابت وام خود
پردازد ، بالغ بر ۱۵۲۲ بلیون دلار است که پس از بر نامه های دفاعی و رفاه اجتماعی ،
سومین رقم را در بودجه دولت تشکیل میدهد .

به علت همین وضع ، قرض مملکت در عرض ۲۰ سال گذشته ، سه برابر شده است . . . جای نگرانی

مهمتر اینست که نرخ بهره روز بروز بالاتر می رود و هم اکنون دولت ده درصد هر دلاری را که مالیات میگیرد ، باید بابت بهره بدهد...

مجله مزبور برای اینکه نشان بدهد بهره وام دولت چه اثری روی اجتماع آمریکا دارد ، مقایسه زیر را بعمل آورده است :

با این ۱۵ بیلیون دلار که دولت آمریکا باید بابت بهره وام خود بدهد میتواند ۲۹ میلیون امریکائی را که اینک طبق محاسبات انجام شده در زیر «خط فقر» قرار دارند ، به بالای خط بیاورد و مقداری هم اضافه داشته باشد ، - یا میتواند ، بدون اینکه دیناری به مالیات بیفزاید ، کسر بودجه را جبران نماید و فقط ۲ تا ۳ بیلیون دلار کسری داشته باشد . یا میتواند فقط با نپرداختن بهره چهارماه ، سه برابر بیشتر برای برنامه های فضائی خرج کند ، هزینه جنگ ویتنام را برای مدت ۷ ماه بپردازد .

بعبارت دیگر طبق محاسبه همین مجله ، دولت آمریکا روزانه باید ۴۱ میلیون دلار بابت بهره وام خود پرداخت نماید .

سپس می نویسد : بسیاری از مردم سؤال میکنند که آیا وام دولت از حد کنترل خارج نشده است ؟

دانشمندان اقتصاد جواب میدهند که بعد از جنگ جهانی دوم ، وام های ملی ، بیش از وام دولتی بوده است و بعلاوه ، تولید ملی خدمات و کالا بنسبت بیشتر از وام گرفته شده است یعنی قرض دولتی در حدود ۴۲٫۵ درصد تولید ملی میباشد .

اما سؤالی که مطرح میشود ، این است که اگر بازار خارجی آمریکا نبود ، و مثلاً کشورهای آمریکای جنوبی ، واردات خود را از کشورهای نظیر ژاپن و چین بیشتر کنند ، آنوقت وضع پرداخت وام دولت آمریکا چگونه خواهد بود ؟ (اینجا است که انسان بی اختیار به یاد آیه شریفه زیر می افتد : «الذین یا کلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخطبه الشیطان من المس...» (بقره ۲۷۵)



افزایش بهره درجه های مختلف اقتصاد آمریکا

چنین وضعی در صد سال اخیر سابقه نداشته است :

بهای پول کرایه ای - به اصطلاح بهره یا ربح فوق العاده بالا رفته است .

کلیه وام گیرندگان - مردم عادی «کاسبکاران» دولت - باید چنان پولی بپردازند که در زمانهای اخیر بی سابقه بوده است .

بهای سرسام آور پول ، که اینک بالاترین رقم را در صد سال اخیر بدست آورده ، از هر تومی که گریبانگیر قیمت اکثر اجناس گردیده ، پیشی گرفته است .
این نرخ سرسام آور بهره ، به روزگار مصرف کنندگان چه می آورد ؟ نتیجه آن برای کسبه و زارعین چیست ؟ برای دولتهای ایالتی و مرکزی چگونه ؟
هیئت تحریریه این مجله (هفتگی) اخبار امریکا و گزارش دنیا ، با نمایندگان بانکها ، شرکت های بیمه ، مؤسسات پس انداز و وام ، شرکت های مالی ، و مقامات دولتی تماس گرفته و نتایج زیر را بدست آورده است :

وامهای رهنی :

در بسیاری از نقاط کشور امریکا ، نرخ وام رهنی به ۸ درصد ، و در سواحل غربی به ۹ درصد رسیده است . سالها بود که این نرخ از ۶ درصد تجاوز نمی کرد .
معنای این امر آنستکه اگر فردی بخواهد یک خانه ۴۰۰۰۰ دلاری بخرد که ۳۰۰۰۰ دلار آن رهن باشد ، با نرخ ۸ درصد ، باید پس از سی سال ۴۹۰۰۰ دلار فقط برای سود پول گرفته شده بپردازد .

وامهای مصرفی

اگر کسی بخواهد برای خریدن یک اتومبیل ، مبلغ ۲۰۰۰ دلار وام سه ساله بگیرد باید ۱۴۲ درصد ، سالیانه بابت بهره پول بدهد .
اگر شخص احتیاج به پانصد دلار وام برای مدت یک سال داشت ، ناچار است ۲۰ درصد بعنوان سود پرداخت کند .

وامهای تجاری :

بانک ها به شرکت های بزرگ ، با حداقل ۷ درصد سود ، پول قرض میدهند ، این نرخ برای شرکت های کوچک به ۱۰ درصد میرسد .
اما نکته مهمتر اینست که نرخ بهره واقعی بیشتر است زیرا بانکها از بازرگانان می خواهند که مقداری نقد در حساب خود داشته باشند حساب این موضوع را یکی از بانکداران نیویورک رسیده و معلوم کرده است که نرخ بهره واقعی برای شرکت های بزرگ و عمده بین ۷٫۵ تا ۷٫۷۵ درصد است .

وامهای زراعتی :

زارعین ، مثل همیشه به روی اعتبارات تکیه می کنند ، و اینک برای گرفتن یک وام شش ماهه ، باید بین ۷٫۵ تا ۸ درصد سود پرداخت نمایند .

وامهای ایالتی :

دولتهای محلی (ایالتی) اکنون ناچارند که متجاوز از ۵ درصد بابت فروش اسناد خود ، سود بپردازند . این امر سبب شده است که پروژه های ساختمانی خود را حذف کنند و یا به تنویق بیندازند .

وامهای دولت مرکزی امریکا

دولت مرکزی امریکا ، اینک سودی می پردازد که در ۱۰۴ سال اخیر سابقه نداشته است ، و آن نرخى است با رقم ۶٫۴۲ درصد .

بطور کلی ، دولت مرکزی امریکای شمالی ، در حال حاضر سالی ۱۶ بلیون (شانزده هزار میلیون) دلار بابت سود قروض خود می پردازد . برای اینکه بدانید این رقم چقدر است مقایسه زیر داده میشود :

دولتهای مرکزی آمریکا ، از زمان حکومت « جورج واشنگتن » (در سال ۱۷۸۹) تا دوره اول حکومت « مکینلی » (در سال ۱۸۹۷) ، یعنی ۱۰۸ سال تمام ، روی هم رفته مبلغ ۱۶ بلیون دلار خرج کردند ، (ولی اینک این مبلغ فقط در عرض یکسال آنهم بابت سود تنها برای وام پرداخت میشود) .

در سال ۱۹۶۸ ، مردم امریکا (غیر از دولت) مبلغ ۳۱ بلیون دلار بعنوان بهره دیون خود پرداختند ، یعنی پس از کسر مالیات ، برای هر دلار درآمد ۵۳ در صد آنرا بابت ربح دادند .

بقیه اذس ۳۶

در مورد وضع عصبی نیز دو موضوع باید مورد توجه باشد : یکی تحریک بیش از اندازه و دیگری انحطاط یا فرسودگی عصبی است . کودکی که دچار ترس یا غضب یا یکی دیگر از عواطف حاد و مزاحم شده باشد ، نمی تواند قوه دقت و فهم خود را با اندازه کافی بکار اندازد . باید آنقدر صبر کرد تا بحال عادی برگردد . همچنین کودکی که دچار فرسودگی عصبی شده است و در نتیجه خود را غیر قابل برای تجمع حواس نشان می دهد دچار برخی تخیلات ناروا گردیده است ، باید از کار فکری ممنوع و به طبیب مراجعه داده شود تا سلامت خود را بازیابد .

انسان در موقع دقت سعی میکند از تعداد تنفس های خود بکاهد ، در حقیقت دقت کامل وقتی صورت می گیرد که دم زدن ، تعطیل بشود . پس سالم نبودن ریه ها و مجاری تنفسی و یک ابتلای ساده پلپس ، ممکن است کودکی را تا سرحد کودنی تنزل دهد . در حالی که واقعا دارای هوشی سرشار است .

رعایت همه این نکات ، برای تأمین سعادت کودک ، بر مریبان لازم است . اجتماع باید کلیه وسایل را برای شکوفان شدن استعداد های کودکان فراهم سازد و تمام موانع را از سر راه آنها بردارد . در این صورت است که بارگران مسئولیت بمقصد میرسد .